



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ انصاری (ره) بعد از بحث در تعریف بیع و معنای آن و سپس بحث در شرائط عوضین و شرائط متعاقدین ، وارد بحث مقبوض به بیع فاسد شدند و هفت امر را بر این مسئله مترتب کردند که ما تا کنون شش امر را خوانده ایم و اما امر هفتم درباره قیمی می باشد (قیمی : مدار و محور مالیت شخصیه است مثل انگشتر و خانه و حیوان . مثلی : مدار و محور مالیت کلی چه نوعیه و چه صنفیه می باشد مثل گندم و برنج) ، شیخ اعظم در امر هفتم می فرماید : « السابع : لو كان التالف المبيع فاسداً قيمياً ، فقد حُكِيَ الإِتِّفَاقُ عَلَى كونه مضموناً بالقيمة . و تدلّ علیه : الأخبار المتفرقة في كثيرٍ من القيميات ... » این نظر شیخ انصاری در این مسئله بود که به عرضتان رسید .

صاحب جواهر نیز در ص ۱۰۰ از جلد ۳۷ جواهر ۴۳ جلدی این بحث را مطرح کرده و مثل شیخ انصاری فرموده که در قیمی ضمان فقط به قیمت می باشد یعنی مالک فقط باید قیمت را مطالبه کند و ضمان نیز فقط باید قیمت را پرداخت کند .

حضرت امام (ره) در اینجا طور دیگری وارد بحث شده ایشان می فرماید مال سه هویت و مرتبه دارد ؛ اول هویت شخصیه ، دوم هویت صنفیه و سوم هویت مالیه ، خوب و اما در مثلی شکی نداریم و مسلم است که مضمون فقط مثل می باشد و شرعاً و قانوناً لازم است که

ضامن فقط مثل را تحویل بدهد و مالک نیز فقط مثل را مطالبه کند مگر اینکه با هم توافق و مصالحه کنند که بحثی در آن نیست و اما در مورد قیمی بحث در این است که آیا در قیمی نیز قانوناً و شرعاً لازم است که ضامن فقط قیمت را بپردازد و مالک نیز فقط قیمت را مطالبه کند یا نه ؟ به عبارت دیگر آیا با امکان حفظ مرتبه دوم یعنی هویت صنفیه (مثل) می توانیم به سراغ هویت مالیه (قیمت) برویم یا نه ؟ امام (ره) می فرماید در اینصورت نمی توانیم به سراغ مرتبه بعد برویم زیرا باید أقرب إلی التالف را در نظر بگیریم لذا در صورتی که هویت صنفیه (مثل) موجود باشد مالک شرعاً و قانوناً نمی تواند هویت مالیه (قیمت) را مطالبه کند و همچنین ضامن هم نمی تواند هویت مالیه (قیمت) را بپردازد ، درواقع حضرت امام (ره) بحث را اینطور مطرح کرده اند که آیا در قیمی پرداخت قیمت از طرف شارع و عقلاء در صورتی که امکان مثل هم وجود دارد ارفاقی است یا اینکه قهری و الزامی می باشد؟ مثلاً فرض کنید انگشترسازی در کاشان چند انگشتر مثل هم ساخته است و سپس شما یکی از آنها را به عقد فاسد معامله کرده اید و بعد تلف شده در این صورت اگر بگوئیم که پرداخت قیمت در اینجا (در صورت امکان پرداخت مثل) الزامیست باید شما به کاشان بروید و مثل آن انگشتری که تلف کرده اید را بخرید و به مضمون له تحویل بدهید که آیت الله خوئی همین را می فرمایند ، اما اگر بگوئیم پرداخت قیمت در اینجا ارفاقیست شما باید با مضمون له صحبت کنید و اگر راضی شد ارفاقاً می توانید به او قیمت را بپردازید که امام (ره) همین را می فرمایند

باب ۲۰ از ابواب دین و قرض ذکر شده اند که مطالعه کنید تا فردا بحث را ادامه بدهیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی

محمد وآله الطاهیرین

بنابراین در اینجا سه نظریه بوجود آمده ؛ اول نظریه صاحب جواهر و شیخ انصاری است که فرمودند اجماع داریم بر اینکه در قیمی فقط باید قیمت پرداخت شود یعنی مضمون له فقط حق دارد قیمت را مطالبه کند نه مثل را و ضامن نیز فقط حق پرداخت قیمت را دارد نه مثل را .

دوم نظریه آیت الله خوئی است که در ص ۴۴۷ از جلد ۲ مصباح الفقاهة می فرماید مقتضای قاعده آن است که در قیمی نیز مثل مضمون است یعنی بر ضامن لازم است که مثل را بپردازد و بر مضمون له نیز لازم است که مثل را مطالبه کند زیرا در صورت امکان هویت صنفیه باید حفظ شود اما اگر پرداخت مثل ممکن نبود و مثل متعذر شده بود قیمت مضمون می باشد .

سوم نظریه امام(ره) است که می فرماید در صورت امکان آداء مثل پرداخت قیمت ارفاقیست نه الزامی یعنی می تواند با مضمون له صحبت کند و هرکدام از قیمت و یا مثل را بپردازد زیرا در اینجا أدله ضمان مثل « علی الید » کارائی ندارند چون این أدله بر اصل ضمان دلالت دارند ولی ما داریم در کیفیت ضمان بحث می کنیم و کیفیت ضمان را شارع مقدس به عرف و عقلاء موکول کرده إلاً ما خرج بالدلیل ، امام(ره) مثال دیگری هم میزنند و می فرمایند مثلاً در تطهیر نجاسات شارع فرموده که نجس باید تطهیر شود اما کیفیت تطهیر را به عرف موکول کرده إلاً ما خرج بالدلیل . خوب و اما آیت الله خوئی در بیان نظریه و مطلب خودش به سراغ چند روایت رفته و فرموده که از این روایات استفاده می شود که در قیمی نیز شارع مثل را می خواهد ، این روایات در